

روش شناسی طالقانی

نگاه محتواگرایانه و دینامیک

علی خوشگو

ساز و کار پویایی قرآن در روش طالقانی

به نظر می‌رسد خود قرآن از ساز و کارها و روشهایی برخوردار است که نحوه رویارویی با مسائل راروشن و پویا می‌سازند این ساز و کارها که پویایی و جاودانگی قرآن را تضمین می‌کنند عبارتند از ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه عام و خاص... ساز و کارها و روش هایی که از ابتدای کار قرآن ما، مورد دقت تأمل بوده از اندیشه های طالقانی برگرفته است لذا ما بر آن ها تکیه ویژه‌ای داریم.

ناسخ و منسوخ

ناسخ و منسوخ در حقیقت شاه بیت نوع برداشت تکاملی از قرآن است. با این روش می‌توان با قرآن از منظر چه باید کردی و محتوایی بر خورد کرد و رمز جاودانگی و داشتن سخن تازه در هر عصر و نسلی را در آن یافت و بر اساس ناسخ و منسوخ در کل آیات قرآن مسائل و معضلات اجتماعی را پیدا نمود و در نهایت پاسخ هایی به تناسب زمان و مکان برای آن ها یافت. به عنوان مثال در زمان پیامبر، زن از حق ارث و طلاق برخوردار می‌شود و با تحدید زوجات از شدت ظلم بر زنان کاسته می‌گردد. به گمان طالقانی آیاتی نسخ می‌شوند و آیات دیگری جایگزین آن ها می‌گردند. ناسخ و منسوخ بر اساس قانون تکاملی طبیعی است که ناسخ‌های نو جای منسوخ‌های کهنه را می‌گیرند.

از نظر طالقانی حیطه نسخ به آیات قرآن محدود نمی‌شوند، بلکه به کل آیات یا نشانه های هستی تعمیم می‌یابد. ناسخ و منسوخ متعلق به گذشته و معطوف به چند آیه محدود نسخ شده که در زمان خود پیامبر ناسخ آن نیز آمده است نیست، بلکه موتوری پویا و متکامل است که راز جاودانگی روح پیام محمد و انبیا یعنی نجات و فلاح انسان و نوع بشر در آن نهفته است. چرا که با از میان رفتن آن نشانه‌ها (منسوخ) جایگزینی (ناسخ) تحول و تکاملی همیشگی در هستی صورت می‌پذیرد و این رمز جاودانگی پیام محمد را تضمین خواهد کرد. یعنی پیام محمد با پشتوانه ناسخ و منسوخ بیان راستین خود

را می‌یابد و در هر زمان می‌توان با استناد به آن، از کهنگی، تحجر و سایر آفاتی که دامن مکاتب وادیان را می‌آلاید، آفت زدایی کرد و سخنان جدیدی متناسب زمانه ارائه داد.

تعریف ناسخ و منسوخ

نسخ تعاریف متعددی دارد که دگرگونی و جایگزینی معنای نخست آن است. طالقانی نسخ را چنین تعریف می‌کند: چیزی را از میان برداشتن یا باطل کردن و چیز دیگری را جای آن گذاردن. آفتاب سایه را و پیری جوانی را نسخ کرد: آن را برداشت و جای آن را گرفت. به همین معناست تناسخ ارواح و قرون^(۱).

یا داشتن صورتی است از محل اول خود و قرار دادن در جای دیگر، یا گذاردن صورتی دیگر به جای آن به همین مناسبت جا به جاشدن ارواح را تناسخ و رونویسی نوشته را استنساخ^(۲).

بنابراین تعریف منسوخ یعنی چیزی که از میان برداشته یا باطل شده است و ناسخ عبارت است از آنچه به جای منسوخ گذاشته شده. به عنوان مثال برخی آیات از جمله مربوط به قبله، منسوخ شدند و آیات دیگری به جای آن جایگزین گردیدند.

جالب آنکه تمام آیات منسوخ شده در زمان خود پیامبر مربوط به احکام بوده که امروز در فرهنگ سنتی تغییر آنها کفر و بی دینی تلقی می‌شود.

ارتباط ناسخ و منسوخ با آیات

طالقانی با استناد به آیه ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها^(۳) (هر آیه‌ای را یکسره برداریم یا از یادش ببریم بهتر از آن یا ماندش را می‌آوریم) برای نسخ با توجه به من آیه دلالت آن و شمول قائل است یعنی آیه شامل کتاب هستی و آیات کتاب خدا (قرآن) که احکام و شرایع در آن ثبت شده نیز می‌شود: آیه نسخ با تعمیم من آیه وقرینه ذکر این صفات که مبین قدرت و مالکیت عمومی خداوند است، اعلام حکم نسخ را هم بر سراسر آیات هستی می‌نماید و هم آیات شریعت و نبوت^(۴).

در اینجا لازم است مفهوم آیات در هستی و آیات شریعت و نبوت روشن و آشکار و رابطه آنها با ناسخ و منسوخ توضیح داده شود.

آیات مربوط به هستی نشانه‌ها و پدیده‌هایی هستند که در کل هستی وجود دارند. هستی یا وجود که شامل جهان خدا، دنیا، آخرت، معاد... است، با توجه به نوع جهان بینی نشانه‌ها و مظاهری دارد. آیات مربوط به شریعت و نبوت آن دسته از آیات کتابت شده است که در کتابهای مقدس گردآمده است. طالقانی ناسخ و منسوخ را تنها به آیات مربوط به شریعت - به زعم برخی فقط مربوط به چند آیه پیرامون تغییر قبله و... است - محدود نمی‌کند بلکه روش ناسخ و منسوخ را به کل

هستی تعمیم می‌دهد یعنی هر چیز که از میان برداشته می‌شود (منسوخ) (یک ناسخ برتر یا دست کم همسان آن جایگزین می‌شود):

بیشتر مفسران این آیه ما نسخ را بصورت قضیه حملیه محقق الوقوع و محدود به آیات قرآنی گرفته‌اند، از این جهت مطلب را محدود به نسخ آیات قرآنی کرده آنگاه بحث را به اقسام نسخ آیات قرآن کشانده‌اند: نسخ تلاوت آیه‌ای به آیه دیگر، نسخ حکم و تلاوت، نسخ حکم و بقا تلاوت. با آنکه جز برای نسخ حکم مثال و موردی در قرآن نیست و آنچه نقل و قول شده بی اساس است و با شأن قرآن سازگار نیست، نسخ کلی حکم از هر جهت و هر حیث هم دلیلی و موردی در قرآن ندارد و مثالهایی که برای نسخ حکم آورده‌اند جز نسخ حیثیتی و زمانی را نمی‌رساند^(۵)

ناسخ و منسوخ و امر تکامل

طالقانی معتقد است که نسخ منسوخ با امر تکامل ارتباطی تنگاتنگ دارند. او که روند پدیده‌ها را تکاملی می‌بیند از نسخ و منسوخ برای تبیین آنها کمک می‌گیرد زیرا به نظر وی ناسخ کامل تر و برتر منسوخ است و اگر همانندی وجود دارد باز ساز و کار تکمیل و کمال در ناسخ نسبت به منسوخ قابل مشاهده است:

من آیه دلالت بر عموم و شمول دارد: چون هر آیه کوچک و بزرگ، تکوینی و تشریحی را از کتاب هستی و قانونی یا از ذهن‌ها و خاطره‌ها: او نفسها، برداریم برتر و برگزیده‌تر از آن را می‌آوریم: نأت بخیر منها: ناسخ یا باید از هر جهت برتر از منسوخ و یا از جهتی برتر و از جهتی مانند آن باشد: و امثالها اگر ناسخ و منسوخ مثلا از جهت ظاهر و نظر سطحی همانند باشند، در واقع ناسخ باید کاملتر و برتر از منسوخ باشد. یا از جهت واقع و مصلحت مانند همدند و از جهت ظاهر و شرایط، ناسخ متناسب تر و برتر می‌باشد. هر چه باشد نباید ناسخ و منسوخ از هر جهت مانند هم باشند، و گرنه نسخ بدون علت و داعی، با حکمت درست نمی‌آید. (۶)

هر آیه کوچک و بزرگ، چه آیات هستی و چه آیات قرآنی، برداشته شود (منسوخ) برتر و برگزیده‌تر از آن آورده می‌شود. از این رو امر تکامل در هر آیه مورد توجه طالقانی است. به اتکای این روش است که طالقانی طبیعت، انسان، تاریخ و جامعه را در حال تحول و تکامل می‌بیند هر چند با مقوله تکامل داروینی مرزبندی دارد.

با نسخ و منسوخ امکان اجتهاد و استنباط برای اهل نظر باز می‌گردد:

نسخ به این معنی که با در نظر گرفتن خصوصیات و شرایط و حیثیات باشد درهای اجتهاد و استنباط رابه روی اهل نظر باز می‌کند و مطابق با تعمیم نسخ و ابدیت قرآن حکیم می‌باشد. (۷)

این چنین اجتهاد و استنباط که رمز پویایی و زنده ماندن آیات کتاب است با روش ناسخ و منسوخ محقق می‌شود و با جمود و خود خواهی تفکرات سنتی مبارزه می‌شود. (۸)

در نسخ و منسوخ چند ویژگی مهم و کاربردی مورد توجه است:

الف - ناسخ و منسوخ دلالّت بر عموم و شمول دارد و تنها محدود و محصور به چند آیه قرآن نیست، هم آیات هستی را شامل می‌شود و هم آیات شریعت و نبوت را.

ب - طالقانی معتقد است از آنجا که ناسخ کامل تر و برتر از منسوخ است با هر نسخی روند تکاملی و پیشرفت پدید می‌آید.

ج - ناسخ و منسوخ (در کل هستی و در کل آیات قرآن) جمود و خود خواهی تفکرات سنتی را از میان بر می‌دارد و به جای تعصبات سنتی و خشک، باب های اجتهاد و استنباط را می‌گشاید .

ناسخ و منسوخ در نگاه پویا به قرآن و احکام آن بسیاری از معضلات را شناخته و یا حل می‌کند به شرط آنکه ناسخ و منسوخ به خوبی شناخته شود و به کارگیری آن صحیح باشد.

محکم و متشابه

مقوله محکم و متشابه از جمله روشهای فهم قرآن است که اختلاف نظرهای جدی درباره آن وجود دارد. به نظر می‌رسد محکم و متشابه به عنوان منشوری چند وجهی صاحب نظران را به واکنش های متعدد وا داشته است. برخلاف ناسخ و منسوخ نمی‌توان نظریات درباره محکم و متشابه را به راحتی یک کاسه کرد.

نگاه های سنتی و همچنین طیفهای متنوع نوگرا هر یک به فراخور چارچوب اندیشه و نگاه خود مقوله محکم و متشابه را بررسی کرده‌اند و از این دستگاه در جهات تفکرات خویش بهره‌ها جسته‌اند .

سنت گرایان قرن هاست با تقسیم آیات قران محکم و متشابه و با تلقی از آیات مربوط به احکام به عنوان محکومات و آیات مربوط به صفات خدا را بعنوان متشابهات، و آیات مربوط به احکام را بر آیات مربوط به صفات خدا ترجیح داده‌اند و عملاً محکم و متشابه را از یکدیگر جدا ساخته و سپس متشابهات را تعطیل و دور از دسترسی بشر نشان داده‌اند.

پافشاری سنت گرایان بر اجرای خشک و یک سویه احکام الهی با وجود گذشت قرن‌ها ناشی از بینش کلی آنها و نگرش سنتی به روش هایی همچون محکم و متشابه است. آن ها با ارجاع متشابهات به محکومات و با ارجاع محکومات به متشابهات روند نا صحیح دیگری را در پیش گرفته‌اند که ناشی از تفکرات فلسفی یونان و جزء دانستن متشابهات و کل گرفتن محکومات است. اما نگاه نو و پویا که ملهم از روش های تحقیق قرآن طالقانی است، هر آیه و پدیده را دارای دو وجه می‌داند: یک وجه محکم و یک وجه متشابه. این تلقی رابطه محکومات و متشابهات را دو جانبه و فعال دانسته هر دو را به خدا ارجاع می‌دهد. و در نتیجه احتمال انحراف و فتنه کم تر شده محکم و متشابه به روشی پویا در کار قرآنی تبدیل می‌شود .

تعریف محکم و متشابه

برداشت از محکم و متشابه^۹ به آیه ۷ سوره آل عمران^{۱۰} مربوط است. هوالذی انزل علیک الكتاب منه آیات محکمت هن ام الكتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون امنا به کل من عند ربنا و ما یدکر الا اولواالباب: اوست که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاده پاره‌ای از آن آیات محکم (صریح و روشن) است. آنها اساس کتابند، و (پاره‌ای (دیگر متشابهاتند (که تاویل پذیرند)، اما کسانی که در دلهاشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن (به دلخواه خود)، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تاویل راجز خدا و ریشه داران دردانش کسی نمی‌داند. (آنان که) می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه (چه محکم و چه متشابه) از جانب پروردگار ماست، و جز خرد مندان کسی متذکر نمی‌شود. محکم: پایدار و تغییر ناپذیر در مقابل متشابه که معانی و مفاهیم مختلف شبیه نما و اشتباه‌انگیز دارد، نه در حقیقت شبیه (مشابه)^(۹)

محکم: ثابت و پایدار و نامتغیر است و از جهت اصل و مرجع و منشأ فروع بودن، ام الكتاب است... پس آنچه از اصول شناخته و اعتقادی راجع به مبدأ و توحید و معاد و حشر و بهشت و دوزخ و اصول و صفات خداوند و اصول علمی و اخلاقی از احکام و سنن اجتماعی و تاریخی در قرآن آمده است که از محکمت و ام الكتاب است.^(۱۰)

متشابه معانی و مفاهیم مختلف شبیه نما و اشتباه‌انگیز دارد، نه در حقیقت شبیه (متشابه) همچون پدیده‌ها و رنگهای پیوسته متدرج و تصویرها که شبیه به هم می‌نمایند، این تشابه معانی و مفاهیم است که در تعبیرات و الفاظ آیات انعکاس یافته است.^(۱۱)

متشابه به صورت تشریحی کتاب آفرینش است که ام الكتاب سرچشمه و اصل ثابت و متشابهات، صورتهای تفضیلی و متکامل آن است.^(۱۲)

آیات مفصل و تنزیل یافته، همان محکمت و ام الكتاب است که در لباس عبارات کلمات و... در آمده متشابه گردیده است: الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها^(۱۳)

همه متشابهات و تمثیل های قرآن درباره مبدأ و معاد و جهان، متشابهات است که تفکر و تعمق و تدبر در آنها افاق باز و بازتری می‌گشاید و از محدودیت و بستگی و جمود می‌رهاند و راه های تحرک و اجتهاد را باز می‌گرداند.^(۱۴)

متشابهات همین نیست که تشابه در مقصود و معنی، یا بعضی آنها با بعضی دیگر تشابه داشته باشند. متشابه از جهت تشابه با محکمت هم هست که از دو جهت ظاهر و مقصود نهایی و تاویلی هم محکم است و هم متشابه.^(۱۵)

متشابه فاعل از تشابه به معنای شبیه نما است که در یابنده معنای مختلف و شبیه با هم از لفظ و کلمه در یابد و دچار اشتباه می‌شود و بسا یک حقیقت و معنا دارد و معانی شبیه ندارد.^(۱۶)

متشابه در مقابل محکم، مختلف، متنوع و فرع است... آنچه از او صاف و کیفیات تشبیهی و صفات و تمثیل ها و فروع که تا اذهان و اندیشه و محسوسات بشری تنزل یافته و برای کسانی اشتباه‌انگیز است، از متشابهات می‌باشد که باید به محکمت برگردد و تاویل یابد.^(۱۷)

محکمت و ام الكتاب در مرتبه اعلا مشیت است و هر چه نازل شده تفصیل و متشابهات (است).^(۱۸)

متشابهات لازمه نزول و تنزیل از علم و اراده اعلی است.^(۱۹)

متشابه از لوازم نزول و تنزیل است.^(۲۰)

در نگاه طالقانی، ارتباط محکم و متشابه که از اراده خدای حی و قیوم گرفته شده است ارتباطی دو جانبه و فعال است. برخلاف قرائت سنتی از دین که میان آیات محکم و متشابه هیچ ارتباطی قائل نیست، در نظر طالقانی متشابه به محکم و خدا ارجاع داده نمی‌شود، بلکه بر عکس محکم و متشابه ضمن این که با یکدیگر ارتباط فعال و دو جانبه دارند به خدای حی و قیوم ارجاع داده نمی‌شود.

طالقانی برای توضیح نظریه‌اش (رابطه محکم و متشابه) مبانی و دلایلی دارد که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:
الف- طالقانی پدیده‌ها را به دو دسته آیات ملفوظ (تشریحی) و آیات آفرینش تقسیم بندی کرده است و سپس مانند ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد:

ام الكتاب اصل و منشاء و زاینده و مرجع ثابت کتاب است، همچون آفرینش جهان و انسان، ان الله لا یخفی علیه شیء هو الذین یصور کم فی الارحام... هو الذی انزل علیک الکتاب که همه از اصول ثابت و گونه‌های متغیر پدید آمده‌اند، قوانین و اصول ثابت و حاکم و محکم، نقش و هندسه کلی و عمومی و بردارنده است. مواد و پدیده‌ها در ضمن حدود آن متشابه و متغیر می‌باشند... الکتاب هم، صورت تشریحی کتاب آفرینش است که ام الکتاب سرچشمه و اصل ثابت و متشابهات، صورت‌های تفصیلی و متکامل آن است. (۲۱)

با این تعریف، محکم و متشابه تنها به آیات قرآن محدود نمی‌شود بلکه حیطه آن به آیات آفرینش که در کل هستی وجود دارد کشیده می‌شود. وی در این نظریه آیات قرآن رادر الفاظ محدود نمی‌کند و برای آن‌ها ما به ازای خارجی یعنی آیات هستی قائل است. در این صورت برقراری ارتباط میان ذهن و عمل اجتناب ناپذیر است و نظریه باید در عرصه طبیعت، تاریخ و جامعه مصداق پیدا کند.

درگیری میان نظریه و عمل از نتایج دیگر تقسیم بندی پدیده‌ها به دو دسته ۱- کتاب تشریح (قرآن) ۲- کتاب آفرینش است.

میان نظریه با مصداق‌های عملی باید موازنه برقرار باشد و الا روند قضا به نقطه نامطلوب خویش خواهد رسید. (علی‌ع) می‌گوید: من قرآن ناظمم. اگر مصداق یعنی علی فراموش می‌شود در واقع مابه ازای خارجی فراموش شده و قرآن باعث انحراف صفوف مسلمانان می‌شود و دیدیم که تاریخ بدان نحو گذشت و رقم خورد.

ب- از نکات قابل توجه دیگر که با مقوله محکم و متشابه رابطه تنگاتنگ دارد، مسئله تکامل و تغییر است.

محکومات در واقع نمادی از اصول ثابت و حاکم، سرچشمه و ام الکتاب اند و اما متشابهات صورتهای تفصیلی و تکاملی اند. نگرش تکاملی و پویای طالقانی به وسیله محکم و متشابه به تکیه گاه قوی دست می‌یابد بدین معنا که با وجود متشابهات باز راه برای تغییر و تکامل پدیده‌ها هموار است. به عنوان نمونه در سوره قصص آیه ۵ وعده و اراده خدا بر حاکمیت مستضعفین قرار گرفته است. این وعده از اصول محکم و ثابتی است که چندین قرن است که روند شکل‌گیری خود را طی می‌کند (متشابه) و با وجود موفقیت‌های کوتاه و دوره‌ای، هر بار با توشه و اندوخته‌ای عظیم در مسیر تحقق نهایی است. پس با وجود مقوله تشابه، تحول و تکامل مفهوم و معنای روشن خود را می‌یابد، یعنی در عین ثبات و حکم (محکم)، تغییر و تحول و تکامل در پدیده (متشابه) وجود دارد که روش عملی نظریه تغییر و تکامل در قرآن را برای ما روشن و آشکار می‌سازد.

ج- از دلایل دیگر طالقانی بر وجود ارتباط فعال و دوجانبه میان محکم و متشابه مینا قرار دادن ام الكتاب است. او پدیده‌ها را به دو دسته آیات ملفوظ و آیات آفرینش تقسیم می‌کند و برای پدیده‌ها نیز دو وجه قائل است: محکم و متشابه. همچنین با توجه به آیات قرآن مشاهده می‌شود که تمام آیات محکم و نیز تمام آیات متشابه خوانده می‌شوند. در کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (هود/۱) آیات کتاب، اعم از محکم و متشابه، محکم خوانده شده است و در الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها (زمر/۲۲) تمام کتاب متشابه معرفی شده است. بر مبنای دو آیه ذکر شده تمام آیات محکم اند هود تمام آیات متشابهند (زمر/۲۲). بنابر این تقسیم قرآن به آیات محکم و متشابه خطایی فاحش به شمار می‌آید که قرن‌هاست بین سنتی و برخی بینش‌های دیگر بدان اقدام می‌کنند. حال آن که به نظر طالقانی کتاب (قرآن) پیش از نزول و تنزیل، محکم (ثابت و کلی و نامتغیر) و جمع و مکنون بوده و پس از نزول به گونه تفصیل و تفریق و ظهور درآمده، آن کتاب محکم و مکنون و در مقام جمعی ام الكتاب است: انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون وانه فی ام الكتاب لدنیا لعلی حکیم (زخرف/۳ و ۴) یعنی مقام برتر داشته لعلی و محکم و حکیم بوده حکیم. برتر از حواس و اندیشه‌ها بوده و بر گونه زبان خاص (عربی) نبوده است حکیم برتر از تغییر و تشابه و تنوع و زمان و مکان و اندیشه‌ها بوده است:

اصول ثابت هستی، قوانین ثابت جهان و انسان، معرفت مبدا و توحید و صفات علیا، رابطه خلق با خدا، مراحل معاد و تکامل، مسئولیت و تعهد انسان و احکام کلی عقلی و عملی چون فروع نظری و فکری و عملی از آن ناشی می‌شود و زاینده است و نیز همه به سوی آن باز می‌گردند، و تاویل می‌یابند: ام الكتاب است همچون مسائل بسیط ذهنی و اصول کلی عقلی و عملی که مسائل فرعی و تطبیقی از آنها ناشی می‌شود و به آنها باز می‌گردد آن کتاب محکم و حکیم و ام الكتاب و محفوظ و مکنون. در مراتب نازل شده و تنزیل یافته در ظروف اندیشه‌های گوناگون و زمانها و مکانها و شرایط و استعدادها، به صورت کلمات و آیات متفرق و تشبیهات و متشابها و امثال و تمثیلهای و تفصیلهای تبیین گردیده، قرائت شده و در ظروف حوادث و قصص گذشته و زمان و تعبیرها و عبرتها و احکام ناسخ و منسوخ و عام و خاص و مجمل و مبین و مطلق و مقید درآمده است. در نتیجه، این آیات مفصل و تنزل یافته، همان محکمت و ام الكتاب است که در لباس عبارات و کلمات... درآمده متشابه گردیده است: الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها (زمر/۲۳) (۲۲)

طالقانی تلقی روشنی در باره متشابه و ربط آن با محکم دارد که بسیار قابل تعمق است. به نظر وی کتاب قرآن خود جلوه‌ای از کتاب آفرینش است و در مسیر مسئولیت و تعهد و عقل آدمی خود سکوی پرش است که او را به سوی ام الكتاب (محکمت) کتاب رهنمون می‌سازد. متشابها و تاویل‌ها و برداشت‌های جدید از پدیده‌های هستی، بهترین ابزار در دستیابی به این محکمت است، زیرا کرامت و عقل آدمی می‌تواند با مدد گرفتن از کتاب به تاویل و برداشت‌هایی از پدیده‌های هستی و کتاب آفرینش مبادرت ورزد و روند رشد و تکامل را هرچه بیشتر تدارک بیند و به محکمت و ام الكتاب دست یابد. در واقع کتاب که گوشه‌ای از کتاب آفرینش است در ظرف‌ها و اندیشه‌های گوناگون در زمانها و مکانها و شرایط و استعدادها به صورت متشابها درآمده تا درک و عقول بشری... به تدریج و در گذر زمان آن‌ها را فهم کند. این رو بر خلاف قرائت سنتی، نه تنها متشابها آیات تعطیل شده و دور از دسترس نیستند بلکه بر عکس با برخورد فعال و پویا با محکمت، زمینه رشد و تحول و تکامل را فراهم می‌آورد. به نظر طالقانی: آیات مفصل و تنزل یافته، همان محکمت و ام الكتابند که در قالب عبارات و کلمات درآمده و متشابه گردیده‌اند.

خلاصه آنکه رابطه فعال و دو جانبه متشابهات و محک‌ها و نیز نتیجه‌گیری از آیات سوره زمر (۲۳) که همه آیات کتاب متشابهند و سوره هود (۱) که همه آیات محکم‌اند، باعث می‌شود طالقانی به روشی پویا کاربردی از قرآن دست‌یازد. با باز گذاشتن دست عقول بشری در آیات و پدیده‌ها و با کارکردی که برای تفکر و تعقل بشری قائل است او را فرا بخواند که از متشابهات برداشت کند تا به امهات کتاب دست یابد. عملی که طالقانی خود بدان پرداخت و با برداشت‌های اجتماعی، تاریخی، انسانی و توحیدی باب جدیدی را برای فهم قرآن باز گشود. برداشت‌های تاریخی و اجتماعی طالقانی از فرعون و مستضعفین، برداشت از داستان آفرینش، برداشت‌های اجتماعی از احکام و... همه بیانگر روش کار طالقانی و مدد جستن از محکم و متشابه است. او آیات متشابه قرآن را با روش‌های عقلی و عرفانی و.. به میان مردم آورد و از آن‌ها رهنمود و راهکار استخراج کرد و آن‌ها را به جوانان، مردم و انقلاب هدیه نمود.

هرمنوتیک در دوران پس از او، فلسفه تازه‌ای است که نظر روشنفکران و متفکران را جلب کرده است. فلسفه‌ای پویا که تمام متون کهن را به بازخوانی فرا می‌خواند و با شالوده‌شکنی از ساختارهای کهن، دستگاه‌های فکری و اندیشه‌های روشمند را متحول و دگرگون می‌کند.

در دوره طالقانی هرمنوتیک و فن تاویل باب روز نبوده است اما برداشت طالقانی از محک‌ها و متشابهات و برقراری رابطه دو جانبه و فعال میان آنها نوعی تاویل‌گرایی بوده است اما با ظرف‌ها و شرایط مکانی متفاوت.

محکم و متشابه‌دلیلی بر جاودانگی کتاب

بحث درباره جاودانگی قرآن و... مفصل و طولانی است که باید از همه ابعاد مورد ارزیابی و تبادل نظر قرار گیرد. قرن هاست کتاب‌های مقدس، به تعبیر برخی، وبال گردن بشر شده‌اند چنان که نه می‌توان یکسره آن‌ها را کنار گذاشت و نه می‌توان برخی ادعاها در مورد جاودانگی کتاب‌های مقدس را پذیرا شد. وقتی سخن از پیام‌های جاودانه کتاب‌های مقدس و کهن است حیطة بحث مجاری خاص خود را می‌یابد ولی آن‌جا که سخن از جاودانگی تمام کتب مقدس، بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و تقدس تحمیلی بر کتاب هاست، بحث و گفتگوها صورت جدی به خود می‌گیرد. تعارض‌های جدی میان نیروهای سنتی و نوگرا که هر دو به کتاب ایمان دارند در می‌گیرد ولی هر یک با روش‌های خود با کتاب برخورد می‌کنند. سنت‌گرایان اندیشه‌های نو را همیشه ورزان می‌کنند و آن‌ها را در آتش عقب ماندگی‌ها می‌سوزانند غافل از آن که بازسازی و بازخوانی کتاب فقط با قرائتی متحول و پویا امکان پذیر است. رنسانس از میان انگیزاسیون و تفتیش عقاید سر زد. پیروان کالون و لوتر و بعدها پیروان پروتستان‌تسم از کلیساها رانده شدند اما دیگر بزرگترین ضربات به قرائت کلیسایی از دین مسیح وارد آمده بود.

جامعه ما نیز طی صد سال اخیر که جریان نواندیش دینی شکل گرفته است، شاهد چنین تعارضی است. سنت‌گرایان با چماق جاودانگی احکام قرآن (که متشابهات آن را فراموشی سپرده‌اند)، از دستگاه نظری و اندیشه‌های نوبه شدت عقب افتاده‌اند. آنان جاودانگی قرآن را قبول دارند حال آنکه این جاودانگی در سایه تاویل‌ها و تفسیرهای نو امکان‌پذیر است.

طالقانی نیز به جاودانگی قرآن اعتقادی راسخ دارد و با طمانینه و آرامش از جاودانگی قرآن یاد می‌کند. او پیام قرآن را دعوتی به همه عصرها و نسل‌ها می‌داند که این، خود، ملهم از تفکر پویایش درباره محکم و متشابه است. به نظر طالقانی محکمت یعنی ام‌الکتاب اسلوب و عصاره اصلی نظریه‌هایی است که آدمی از دیرباز تا امروز برای استقرار آن‌ها تلاش کرده است. مفاهیمی از قبیل رستگاری، جاودانگی، معاد، بهشت و جهنم، طاغوت و... همه از محکمت وام‌الکتاب‌اند که در ظرف اندیشه‌های گوناگون و در زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط مختلف به تشابهات درآمده‌اند.

امهات و محکمت در نگاه طالقانی همه توحیدی، انسانی و رهایی‌بخش‌اند که در ظرف اندیشه‌های گوناگون، در زمانها و مکانهای مختلف، به جماعات قدرت می‌بخشند تا صحیح حرکت کنند. چنین قدرتی می‌تواند قرآن را به میان جوانان و مردم آورد و دین را در عرصه رویدادهای تاریخی و اجتماعی اشاعه دهد. طالقانی به شاگردان مکتب هدایت و به جنبش مسلحانه آنان کمک نظری کرد. وی بارها دستگیر، زندانی و تبعید شد. این زندگی پر فراز و نشیب به مدد برداشت از تشابهات - که خود محکمت‌اند - میسر شده است. با بازخوانی محکمت و تشابهات است که طالقانی را به جاودانگی پیام قرآن این چنین معتقد و مومن می‌یابیم. برای طالقانی قرآن، در سیمای کلمات و لغات، تقدس ندارد بلکه پیام و محتوا و جهت قرآن مقدس است. وی تشابهات قرآن را به هم‌آوردی با مسائل، اندیشه‌ها و تفکرات عصر فرامی‌خواند و چنین مهمی را به مدد عقول بشری و نظریه‌های تاریخی و عصری برای فهم قرآن انجام می‌دهد:

«همین استحکام و ثبات که هماهنگ با تشابه و تحول است، برهان ابدیت و جاودانگی کتاب است که هماهنگ با تحول و تکامل پیش می‌رود. همچون اصل حمایت که در استعداد و صورت‌های متشابه و شاخه‌ها جریان دارد و همه از آن است و برگشت همه بدان، و همچون سرچشمه جوشان و موج از تحول و تنوع و در بسترهای حدود و گونه‌های مایه‌گیر و متشابه پیش می‌رود تا از ماندن در حدود و تشابهات رهیده شود. (۲۳)

در واقع محکم و متشابه برهان ابدیت و جاودانگی کتاب به حساب می‌آید. طالقانی از محکم با واژه‌هایی چون استحکام و ثبات و اصل حیات و سرچشمه جوشان نام می‌برد و از تشابه به عنوان تحول و تکامل، فروع استعدادها و صورتهای متشابه و تحول و تنوع در بسترهای حدود و گونه‌های مایه‌گیر و متشابه، و آن‌گاه در رابطه تکاملی تشابهات با محکمت، شاخه‌ها با اصل حیات، و تحول و تنوع با اصل سرچشمه جوشان و موج، کتاب جاودانه و ابدی می‌شود.

تشابهات مبنای قول و فرقان

به نظر طالقانی تشابهات از لوازم نزول قرآن است بدان معنا که قرآن با شان نزول نازل شده است. معتقد است کل کتاب یک جا بر پیامبر خوانده شده و پیامبر از جهت‌ها و مضامین اصلی کتاب بهره‌مند شده است. اما تشابهات لازمه نزول قرآن است چرا که اراده خدا در مسیر تدریجی تحقق می‌یابد.

در آغاز کل پیام بر پیامبر نازل شده است. وی طی روزهای طولانی در غار با محکمت و به اصطلاح امروز با مبانی اصلی آشنا گردیده است. بعد از آن با توجه ضرورت‌ها، شرایط زمانی و مکانی آیات بر پیامبر نازل شده تا آن‌ها را برای مردم بخواند. امر تدریج و تکامل بانزول همراه است که به نظر طالقانی با ابراز تشابه قابل تبیین است. یعنی نزول قرآن در

شرایط زمانی و مکانی مختلف بر مردم جاری می‌شود. محکم در سیر نزول متشابه را ایجاد می‌کند و متشابه باعث فرقان (جدا کننده حق از باطل) و قول فصل می‌شود:

تشابه از نزول و تنزیل است، دیگر نباید برای متشابهات قرآن که فرقان و قول فصل است توجهیاتی نمود و خواصی آورد (۲۴).

به تعبیر طالقانی متشابهات فرق حق و باطل را مشخص می‌کند و همچنین فرق های باطل را تمیز می‌دهد تا حق و باطل با هم مخدوش نشوند و از آن فرق های حق و فرق های باطل از هم تفکیک گردند که این همه تنها که کمک متشابه میسر و امکان پذیر است. حق و باطل اموری کلی و قابل تکثردند که تنها به وسیله ابزاری نظیر متشابه تبیین و جدا می‌شوند. از این رو به نظر طالقانی متشابه که این نقش های مهم را ایفا می‌کند نیازی به توجیه و تحلیل ندارد. ضرورت ابرازی متشابهات از محکمت کار قرآنی به حساب می‌آید.

رابطه متشابهات با نظریه نسبیت

نظریه نسبیت در دوران معاصر توسط انشتین مطرح شد، و بر بسیاری از نظریات علمی خط بطلان کشید. با طرح نظریه نسبیت پدیده‌ها تمام نظریات اجتماعی، تاریخی، سیاسی و... به چالش فرا خوانده شدند و سیطره مطلق گرایی با شکافی جدی روبرو شد. مطلق گرایی با سلطه بر نظریات و اندیشه‌های بشری وایدئولوژی‌ها و... مشکلات جدی و گاه لا ینحلی را ایجاد کرده بود، اما نسبی گرایی نقطه اوج دیگری در تاریخ اندیشه بشر شد تا بسیاری از بن بست ها و مشکلات فکری و عملی را از میان بردارد.

در طی قرون اخیر نظریه نسبیت وارد مناسبات نظری شد و به اندیشه‌های نو مجال داد تا نظریه را با واقعیت ها پیوند زنند. در کشور ما که افکار و عقاید گوناگون زمینه بروز و حضور داشته‌اند نسبیت گرایی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت تا با کمک آن به مقابله با رقبای مطلق گرا و جزم اندیش بروند و مفری برای بن بستهای فکری و اجتماعی معاصر فراهم آورند. طالقانی نیز به نسبیت گرایی توجهی خاص داشت. وی با پیوند زدن میان نسبیت و مطلقیت راهکارهای مهمی از آن اتخاذ نمود. به خصوص در ارتباط با محکم و متشابه نظریه نسبیت راهگشا شد.

به نظر طالقانی همان طور که در آیات طبیعت و هستی، نسبیت و زمان و مکان مشاهده می‌شود در آیات قرآن که (از سازوکار آیات طبیعت پیروی می‌کند) متشابهات لازم و ضروری است:

«علم و اراده اعلی که به صورت نیروهای نسبی و حیات و ترکیبات درآمده است، و همه بهام الكتاب و وجود قدرت و اراده مطلق تاویل می‌یابند» (۲۵).

پس نسبیت در پرتو مطلق (متشابه در پرتو محکم) از مطلق گرایی اجتناب می‌ورزد و زمینه‌ای برای نگاه نسبی به پدیده‌ها و آیات فراهم می‌گردد.

خلاصه آنکه روش محکم و متشابه مانند ناسخ و منسوخ وسیله دیگری برای حفظ روحیه اجتهادی در تفکر دینی است. وسیله‌ای که با توجه به محتوای محکومات، کالبد دین را از جمود و محدودیت نجات داد، و زمینه تکامل و اجتهاد در آن را فراهم آورد:

همه تشبیهات و تمثیل‌های قرآن در باره مبدا و معاد و جهان، متشابهات است که تفکر و تعمق و تدبر در آنها آفاق باز و بازتری می‌گشاید و از محدودیت و بستگی جمود می‌رهاند و راه‌های محرک و اجتهاد را باز می‌گرداند. (۲۶)

در ارتباط با محکم و متشابه نکته مهم دیگری در آیه ۷ سوره آل عمران مشاهده می‌شود: فی قلوبهم زیغ.... آنان که در دل شان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند...

اشاره آیه به کسانی است که در دلشان زیغ و کجی و انحراف است. اینان حق را چنان که هست نمی‌بینند و در صدد برمی‌آیند که با تشابه، زمینه فتنه را فراهم سازند. از ویژگی‌های عمده این جریان انحرافی این است که آیات را با برداشتهای خود منطبق می‌کند نه آن که برداشت خود را با آیات تطبیق دهد و از آن نتیجه گیرد. بن بستهای نظری، منافع جمعی و صنفی و گروهی از دلایل عمده برخورد این جریان انحرافی است. هر کس بخواهد نظر خود را از آیات استنتاج کند در قلبش زیغ و انحراف است زیرا به خاطر مصالح و منافع فردی یا جمعی محکومات و امهات اصلی کتاب را به فراموشی می‌سپارد.

از همین روست که مبنای محکومات و متشابهات به خدا باز می‌گردد، البته به خدایی که تلقی درستی از او در باورها باشد و همچنین ملاک و محک مطمئنی برای سنجش برداشت‌های زمانی و مکانی و نیز محکومات موجود باشد.

پاورقی‌ها:

۱. پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۲۵۴.
۲. پیشین ج ۱، ص ۲۶۱.
۳. سوره بقره، آیه ۱۰۷.
۴. پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۲۶۲.
۵. پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳.
۶. پیشین، ج ۱، ص ۲۶۲ و ۲۶۱.
۷. پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳.
۸. پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.
۹. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۱۷.
۱۰. پیشین، ج ۳، ص ۲۲.

۱۱. پیشین، ج ۳، ص ۱۷.
۱۲. پیشین، ج ۳، ص ۱۸،
۱۳. پیشین، ج ۳، ص ۱۹.
۱۴. پیشین، ج ۳، ص ۲۰.
۱۵. پیشین، ج ۳، ص ۲۰.
۱۶. پیشین، ص ۲۲.
۱۷. پیشین، ص ۲۲.
۱۸. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۲۶
۱۹. پیشین، ص ۳۲.
۲۰. پیشین، ص ۳۲.
۲۱. پیشین، ص ۱۸.
۲۲. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۱۹.
۲۳. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۲۲.
۲۴. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۳۲.
۲۵. پرتوی از قرآن، ج ۳، ص ۳۲.
۲۶. پیشین، ج ۳، ص ۲۰.